

نظریه‌های نرخ بهره و تاثیر آن بر اقتصاد، مقایسه تطبیقی بین بانکداری اسلامی و متعارف

احمد رضا اخلاقی^۱

چکیده

هدف این پژوهش، بررسی نظریه‌های نرخ بهره و جایگاه آن در اقتصاد و مقایسه آن بین بانکداری اسلامی و ربوی است. ابتدا، تحقیق کوتاهی درباره عوامل مؤثر بر نرخ بهره در بانک ارائه می‌دهد. سپس، انواع نرخ بهره بانکی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند. سپس، تفاوت‌های اصلی بین نرخ بهره در بانکداری اسلامی و ربای بررسی می‌شود. در ادامه بحث مهم‌ترین نظریات در نرخ بهره مورد بررسی قرار گرفت. همچنین، تاثیر بهره بانکی بر اقتصاد و نقش آن در توسعه اجتماعی و اقتصادی بررسی شد. در نهایت، نتیجه‌گیری از تحقیق صورت گرفته و نتایج به دست آمده از نظریات نرخ بهره و تاثیر آن بر اقتصاد و مقایسه آن بین بانکداری اسلامی و ربوی بیان می‌شود. تحقیق نشان می‌دهد که نرخ بهره با توجه به نظریاتی که در باره این پدیده اقتصادی بیان شده است، نقش مهمی در چرخه اقتصاد دارا می‌باشد. همچنین نرخ بهره اثرات معنادار سودآوری بانکی در بانکداری اسلامی و ربوی داشته است با این تفاوت که این اثرگذاری در بخش اسلامی مثبت و در بخش متعارف منفی بوده است. دلیل اثرگذاری متفاوت می‌تواند تفاوت در ماهیت نرخ بهره در بخش اسلامی و متعارف باشد، زیرا در بانکداری متداول؛ نرخ بهره مبتنی بر ربا بوده است که به دلیل انفکاک بخش بانکی از بخش واقعی اقتصاد، می‌تواند در بلندمدت برای سودآوری بخش بانکی مضر باشد، ولی در بخش اسلامی، نرخ بهره مبتنی بر به اشتراک‌گذاری ریسک بوده و عملکرد بخش بانکی به بخش واقعی اقتصاد وابسته است. این پژوهش به روش تحلیلی توصیفی می‌باشد.

کلید واژه‌ها: نظریه‌های نرخ بهره، اقتصاد، بانکداری اسلامی، بانکداری ربوی.

^۱. دانش پژوه دکتری اقتصاد جامعه المصطفی (ص) العالمیه. Akhlaghi.1366@yahoo.com

مقدمه

نرخ بهره یکی از اصطلاحات علم اقتصاد و به معنای نرخي که بابت جلوگیری از کاهش ارزش پول پرداختی در امروز و دریافتی در آینده (به دلیل ارزش زمانی پول و نرخ تورم) از وام گیرنده دریافت می‌شود. و عموماً به شکل سالانه مورد اشاره قرار می‌گیرد که به آن نرخ سود سالانه نیز می‌گویند.

بهره بهای پول وام گرفته شده است. هرگاه مبلغی پول برای مدت معینی به وام داده شود مبلغی که وام گیرنده در آینده به وام دهنده می‌پردازد، بیش از مبلغ دریافتی اولیه خواهد بود. این پرداخت اضافی یا نرخ بهره را می‌توان به صورت نسبت ما به التفاوت مبلغ بازپرداخت در پایان یک دوره معین به کل پول دریافتی بیان کرد.

بدین ترتیب، هرگاه ۱۰۰ ریال به وام داده شود و در پایان یک سال ۱۰۵ ریال دریافت گردد، نرخ بهره سالانه برابر خواهد بود با ۵ درصد یا نرخ بهره و در اصطلاح، مبلغی است که بابت استفاده از وام یا اعتبار پرداخت می‌شود.

نرخ بهره پدیده‌ای اقتصادی است که آثار مهمی در فعالیت‌ها و زندگی اقتصادی انسان‌ها گذاشته است. این پدیده یکی از مهم‌ترین متغیرهای کلان اقتصادی در سیاست‌گذاری است که به عنوان هزینه اجاره سرمایه از دیدگاه سرمایه‌گذار و هزینه فرصت از دیدگاه سپرده‌گذار در نظر گرفته می‌شود. اقتصادهای پیشرفته کنونی جهان به شدت تحت تأثیر نرخ‌های بهره قرار داشته و به سرعت نسبت به تغییرات آن، واکنش نشان می‌دهند.

نظریات زیادی در باره نرخ بهره است که این نظریات نقش و جایگاه این پدیده اقتصادی را نشان می‌دهد. نرخ بهره در بانکداری اسلامی و ربوی تفاوت‌هایی دارد که این تفاوت‌ها، تمایز بین بانکداری اسلامی و ربوی را نشان می‌دهد.

تعریف نرخ بهره

بهره را می‌توان اختلاف قیمت مبادله یک کالا با همان کالا در دو زمان مختلف، یا به صورت دقیق‌تر، اختلاف قیمت مبادله مبلغی پول با همان مبلغ پول در دو زمان مختلف در نظر گرفت. به عبارت دیگر نرخ بهره، قیمت استفاده از پول است و مانند هر قیمت دیگری تحت تأثیر عرضه و تقاضا قرار دارد. تقاضا برای پول برای استفاده در هر فعالیت اقتصادی به نرخ بازده یا سود در آن حوزه فعالیت، بستگی دارد. اعتبارات و عرضه پول موجود در بازار به سمت فعالیت و حوزه‌ای گرایش پیدا می‌کند که بالاترین بازده را داشته باشد.

چنانچه مبلغ بهره پرداختی به سرمایه برحسب درصد بیان شود به آن نرخ بهره گفته می‌شود. نرخ بهره عبارت است از نرخ که بابت جلوگیری از کاهش ارزش پول (به دلیل ارزش زمانی پول و نرخ تورم) از وام‌گیرنده دریافت می‌شود. (Bawerk, Bohm, 1900, p175)

عوامل موثر بر نرخ بهره

قبل از اینکه به نظریات نرخ بهره و جایگاه آن در اقتصاد و مقایسه آن بین بانکداری اسلامی و ربوی بپردازیم، برای تفهیم و درک این مطالب جا دارد ابتدا عوامل مؤثر در نرخ بهره و انواع نرخ بهره را بیان کنیم تا کمکی برای روشن شدن و فهم نظریات نرخ بهره و اهمیت آن در بانکداری و اقتصاد و مقایسه آن بین بانکداری اسلامی و ربوی باشد.

۱. ریسک و خطر از دست دادن سرمایه توسط وام‌دهنده

عامل ریسک در تعیین و محاسبه نرخ بهره تاثیر بسیاری دارد؛ به‌طوری‌که بنگاه‌های اقتصادی بزرگ‌تر با آینده مطمئن‌تر به میزان کمتری (به نسبت بنگاه‌های اقتصادی کوچک‌تر و دارای ریسک‌پذیری بیشتر) بهره پرداخت می‌کنند.

در این شرایط مواقعی که نرخ‌های بهره بین بانکی در نظام پولی افزایش می‌یابد و در سطحی بالاتر از نرخ بهره پایه قرار می‌گیرد؛ شرکت‌های بزرگ‌تر از موفقیت ایجادشده استفاده کرده و با توجه به تفاوت موجود در نرخ‌های بهره و با استفاده از اعتبار خود شروع به استقراض می‌کنند و وجوه به‌دست آمده را به مؤسسات کوچک‌تر در مقابل بهره بیشتر وام می‌دهند. (قره باغیان، ۱۳۷۲، ص ۷۹۸)

۲. میزان هزینه‌های اداری و هزینه‌های مربوط به اقدام قانونی نسبت به واریز بدهی؛

۳. میزان بهره که عرضه و تقاضای سرمایه آن‌را مشخص کرده و بهره خالص نام دارد؛

۴. زمان به‌کارگیری سرمایه که حداقل از یک شب شروع و چند یا چندین سال ادامه پیدا می‌کند؛

۵. ارزش فعلی؛ ارزش یک ریالی که یک سال بعد در چنین روزی به شما داده می‌شود، بسی کمتر از ارزش یک ریالی است که امروز دریافت می‌کنید؛ زیرا می‌توان یک ریال را به حساب سپرده گذاشت و یک سال بعد اصل و فرع آن‌را که بیش از یک ریال است، دریافت کرد.

در مورد وام ساده، برای تعیین هزینه وام می‌توان بهره را بر اصل مبلغ تقسیم کرد. برای محاسبه این هزینه، از نرخ بهره ساده استفاده می‌شود. برای وام ساده به مبلغ ۱۰۰۰۰۰ ریال را که گیرنده وام باید پس از یک سال، اصل مبلغ ۱۰۰۰۰۰ ریال و نیز بهره ۱۰۰۰۰ ریال آن‌را بازپرداخت کند؛ نرخ بهره ساده ۱۰ درصد می‌شود. (میشکین، ۲۰۰۲)

۶. عایدی تا سررسید (نرخ بازدهی داخلی)؛ در بین روش‌های متداول تعیین نرخ بهره، عایدی تا

سررسید، یکی از مهم‌ترین آنهاست. عایدی تا سررسید، نرخ بهره‌ای است که ارزش فعلی درآمدهای دریافتی ابزارهای مالی را با ارزش کنونی آن برابر می‌کند. عایدی تا سررسید برای وام ساده که ارزش امروزی آن ۱۰۰۰۰۰۰ ریال است و پرداخت در زمان سررسید سال اول ۱۱۰۰۰۰ ریال خواهد بود. (داودی و صمصامی، ۱۳۸۸، ص ۱۴۲)

انواع نرخ بهره

براساس یک تقسیم‌بندی، انواع نرخ بهره به قرار زیر است:

۱- نرخ بهره طبیعی

نرخ بهره طبیعی یا حقیقی، نرخ بهره بر اساس بازدهی سرمایه یا همان نرخ بهره بازار سرمایه است. نرخ بهره طبیعی معیاراندازه‌گیری افزایش خالص در بهره‌وری به‌خاطر استفاده از کالاهای سرمایه‌ای است؛ به‌طور مثال اگر استفاده از ماشین در کشاورزی موجب افزایش خالص تولید به‌میزان ۱۰۰ تن گندم در سال شود، در این صورت، نرخ طبیعی بهره ۱۰۰ تن گندم در سال می‌شود. (تقوی، ۱۳۷۷، ص ۲۲۸)

۲- نرخ بهره بازار

نرخ بهره بازار؛ یا نرخ جاری بهره، که همان بهره سرمایه در کوتاه‌مدت یا نرخ بهره بازار پول است، بهره‌ای که باید برای استفاده از کالاهای سرمایه‌ای پرداخت شود؛ مقدار آن را عرضه و تقاضای کالای سرمایه‌ای تعیین می‌کند. (تقوی، ۱۳۷۷، ص ۲۲۸)

۳- نرخ بهره تعادل

نرخ بهره تعادل؛ زمانی که نرخ بهره طبیعی با نرخ بهره بازار مساوی شود، نرخ بهره تعادل به‌وجود می‌آید. (تقوی، ۱۳۷۷، ص ۲۲۸)

۴- نرخ بهره واقعی و اسمی

نرخ بهره اسمی، نرخي است که در قرارداد میان وام‌دهنده و وام‌گیرنده تعیین می‌شود و بدهکار موظف است بدون توجه به سطح و روند قیمت، درصد مشخص شده را به طلبکار بپردازد؛ در حالی که در محاسبه نرخ بهره واقعی، تورم مورد توجه است. تورم از نرخ بهره رسمی کسر می‌شود و باقی‌مانده بهره واقعی است که به حساب سپرده‌گذار واریز می‌شود. (تقوی، ۱۳۷۷، ص ۲۲۸)

۵- نرخ بهره وام ساده

وام ساده ابزاری است که در چارچوب آن وام‌گیرنده می‌باید اصل وجه یا سرمایه استقراض شده را در تاریخ سررسید با مبلغ اضافی که از قبل تعیین شده است را به‌عنوان بهره به وام‌دهنده پرداخت نماید. (داودی و صمصامی، ۱۳۸۸، ص ۱۳۸)

۶- نرخ بهره وام با بازپرداخت ثابت

وام با بازپرداخت ثابت ابزاری است که در چارچوب آن وام گیرنده می‌باید اصل و بهره وجوه استقراضی را در قالب اقساط مثلاً ماهیانه با بازپرداخت یکسان در یک دوره مشخص بپردازد.

۷- نرخ بهره اوراق قرضه با عایدی ثابت

اوراق قرضه با عایدی ثابت در فواصل زمانی مشخص مثلاً هر ساله به دارنده قرضه، بهره ثابتی را تا تاریخ سررسید پرداخت می‌کند. در زمان سررسید، مبلغ نهایی از پیش تعیین شده توسط صادرکننده اوراق پرداخت می‌شود. وجه تسمیه پرداخت‌های عایدی ثابت این است که دارندگان اوراق با بریدن کوپن قرضه و فرستادن آن به صادرکننده قرضه، عایدی اوراق را به دست می‌آورند.

نظریه‌های نرخ بهره

با توجه به اهمیت و جایگاه نرخ بهره در اقتصاد، نظرات زیادی پیرامون نرخ بهره وجود دارد که برخی از مهم‌ترین آنها به قرار ذیل است.

۱- نظریه نرخ بهره کلاسیک

از نظر اقتصاددانان کلاسیک، بهره توسط عرضه و تقاضا برای پس‌انداز تعیین می‌شود. تقاضا برای پس‌انداز یا سرمایه‌گذاری، تابع غیر مستقیم نرخ بهره است. وقتی نرخ بهره بالا رود؛ در شرایط برابر مقدار مورد تقاضا برای سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابد و بالعکس با کاهش نرخ بهره، مقدار مزبور افزایش می‌یابد. از سوی دیگر، فرض می‌شود که پس‌انداز تابع مستقیم نرخ بهره است؛ بدین معنی که با افزایش نرخ بهره حجم پس‌انداز افزایش می‌یابد و بالعکس با کاهش نرخ بهره مقدار پس‌انداز کاهش می‌یابد. نرخ بهره وقتی عرضه پس‌انداز با تقاضای سرمایه‌گذاری برابر شود در حالت تعادل خواهد بود. نظریه پس‌انداز و سرمایه‌گذاری کلاسیک، نظریه تعیین نرخ بهره است؛ برخلاف نظریه پس‌انداز و سرمایه‌گذاری کینز که نظریه تعیین درآمد ملی است. پس‌انداز و سرمایه‌گذاری در مدل کلاسیکی هر دو در نرخ بهره متعادل در وضعیت تعادل هستند و درآمد ملی هیچ ارتباطی با این مکانیسم متعادل‌کننده ندارند. در واقع فرض شده است که درآمد ملی در حد اشتغال کامل، ثابت است. از آنجا که اقتصاددانان کلاسیک به آینده اقتصاد خوش‌بینند به تقاضای نقدینگی پول اعتقاد ندارند و بدین ترتیب فرض می‌کنند که پس‌اندازکنندگان، پس‌اندازهای خود را در راه‌هایی به کار می‌برند که از آن بهره به صورت درآمد کسب گردد و نه اینکه به شکل غیر فعال نگهداری نمایند. نتیجتاً پس‌انداز همیشه در دسترس بخش تولیدی برای مقاصد سرمایه‌گذاری قرار دارد. تا هنگامی که سطح درآمد ملی ثابت فرض می‌شود، روابط متقابل بین پس‌انداز و سرمایه‌گذاری برحسب کلاسیک، بر سطح کلی تولید

اثری ندارد؛ بلکه بر ترکیب تولید تأثیر می‌گذارد. (تفضلی، ۱۳۶۶، ص ۲۵۸-۲۶۰)

۲- نرخ بهره طبیعی و بازاری؛

ویکسل معتقد است که با وجود تفاوت‌های میان دو نوع نرخ بهره که بیان باشد از نرخ بهره بازاری و نرخ بهره طبیعی، عدم تعادل میان دو بازار پول و سرمایه ایجاد می‌شود و بعدها به دیگر بازارها اعم از بازار کار و کالاها سرایت می‌کند. در واقع امکان دارد، نرخ بهره جاری از نرخ بهره طبیعی پایین‌تر باشد. در این صورت، کارفرمایان اقدام به استقراض و سرمایه‌گذاری می‌کنند و صاحبان بانک‌ها تقاضای سرمایه‌ای آنها را به کمک ساز و کارهای ایجاد پول بانکی و تحریری و با وجود اختلاف دو نرخ بهره ارضا می‌کنند. در این شرایط، سیر سرمایه‌گذاری شکل انباشتگی به خود می‌گیرد و منجر به تشکیل امواج تکاثری یا به هم فزاینده تولید و درآمد می‌شود و به دنبال آن سطح تقاضای کل و در نتیجه قیمت‌ها و همچنین نرخ بهره سرمایه‌گذاری‌ها بالا می‌رود و در آخر سیر رونق اقتصاد را فرا می‌گیرد. برعکس آن اگر نرخ بهره جاری، بالاتر از نرخ بهره طبیعی باشد، پس‌اندازها اغلب به بازار پولی روی می‌آورند و اقتصاد با کمبود سرمایه‌گذاری مواجه می‌شود و در نهایت عدم تعادل به صورت رکود، کلیه بازارها و اقتصاد ملی را فرا می‌گیرد. (منتظرظهور، ۱۳۸۱، ص ۲۳۴)

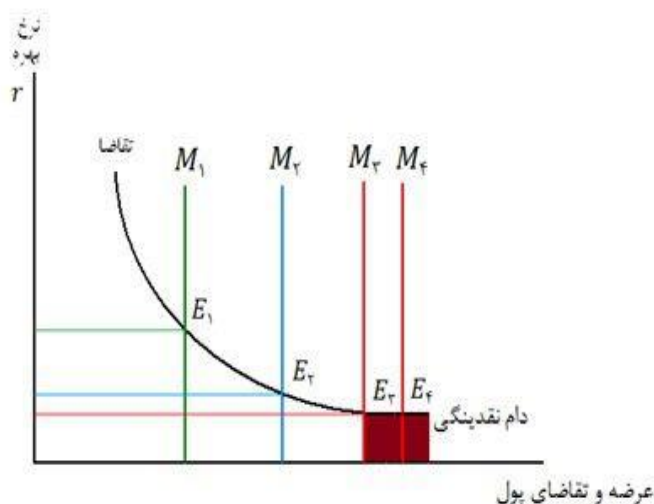
۳- نظریه نرخ بهره پولی؛

گونار میردال برنده جایزه نوبل اقتصاد در سال ۱۹۷۴ با تبدیل نرخ بهره طبیعی و یکسب به نرخ بهره پولی ثابت کرد که نرخ بهره درازمدت با نرخ بهره بازدهی سرمایه مبتنی بر عوامل پولی و کوتاه‌مدت است؛ زیرا به عقیده او سرمایه‌گذار، نرخ پولی سرمایه‌های مورد نیاز برای تأمین مالی سرمایه‌گذاری‌های خود را با نرخ بازده پولی سرمایه‌گذاری‌ها مقایسه می‌کند و بر پایه این محاسبه اقتصادی، برای سرمایه‌گذاری تصمیم می‌گیرد. (منتظرظهور، ۱۳۸۱، ص ۲۳۵)

۴- نظریه دام نقدینگی

"جان مینارد کینز" سطوح سرمایه‌گذاری‌ها را تابع نرخ بهره نمی‌دانست؛ بلکه این امر را ناشی از ضریب تمایل به سرمایه‌گذاری می‌دانست. به نظر کینز، شدت این تمایل به خاطر کاهش فرصت‌های سرمایه‌گذاری ضعیف است. کمبود فرصت‌های سرمایه‌گذاری به خاطر تراکم سرمایه‌هاست که بیشتر در کشورهای سرمایه‌داری دیده می‌شود. به این ترتیب، با وجود این‌که در نظام‌های سرمایه‌داری دولت دخالتی در امور ندارد، اما در این‌جا دولت باید با دخالت مستقیم خود در فعالیت‌ها اقدام به سرمایه‌گذاری کند؛ تا بتواند کمبود سرمایه‌گذاری‌ها توسط بخش خصوصی را جبران کند. به همین خاطر کینز سرمایه‌گذاری را یک متغیر مستقل می‌دانست.

اکثر بررسی‌های کینز کوتاه‌مدت بود. وی بیشتر به بازار کوتاه‌مدت سرمایه‌ها یعنی بازار پول توجه داشت. نرخ بهره از دید کینز به منزله بهای چشم‌پوشی کردن از نقدینگی پول عنوان شد که تعیین نرخ آن در نقطه تقاطع میان منحنی‌های عرضه و تقاضای سرمایه پولی در بازار پول صورت می‌گرفت.



در منحنی فوق، سطوح مختلف M از نرخ بهره که توسط مسئولان پولی مشخص می‌شود، جداست؛ تنها منحنی تقاضا تابع نرخ بهره است که در نهایت تعادل نیز در نقطه برخورد عرضه و تقاضا به وجود می‌آید؛ اما با رسیدن به یک حد خاص، شک افراد نسبت به اوضاع و به‌خصوص کاهش نرخ بهره موجب می‌شود تا آنها تقاضای نقدینگی خود را بر پایه نرخ بهره انجام دهند. سپس با تجاوز از آن حد، ورود هر میزان پول به نظام اقتصادی بدون آن‌که منجر به کاهش نرخ بهره شود در گردابی می‌افتد که به "دام نقدینگی کینز" معروف است. (منتظر ظهور، ۱۳۸۱، ص ۲۴۰)

۵- نظریه عدم امکان بررسی مستقل نرخ بهره؛

جون رابینسون معتقد است که سرمایه را نمی‌توان به شکل مستقل از نرخ بهره اندازه‌گیری کرد و نرخ بهره نیز فقط به بهره‌وری نهایی سرمایه وابسته نیست. (کریمی، ۱۳۹۶)

۶- نظریه نرخ بهره صوری

هنری تورنتون نیز میان بهره واقعی و صوری تفاوت قائل بود. برای مثال با افزایش ۵ درصدی قیمت‌ها در سال، نرخ بهره ۱۰ درصد نشان می‌دهد که بازده واقعی تنها ۵ درصد است پس تورم ناخودآگاه منجر به افزایش نرخ بهره می‌شود. (قنادان، ۱۳۸۴، ص ۱۷۵)

تأثیر نرخ بهره بر اقتصاد

تأثیرگذاری سود بانکی بر اقتصاد، یکی از مهم‌ترین روابط موجود در موضوعات اقتصادی است که بحث‌های زیادی را به خود اختصاص داده است. نرخ سود بانکی قیمت نهاده تولیدی سرمایه است و به‌طور مستقیم یکی از هزینه‌های تولید در قیمت تمام شده محصول محسوب می‌شود. در واقع می‌توان گفت که نرخ سود بانکی به‌عنوان یکی از هزینه‌های تولید، در تصمیم‌گیری برای تولید اهمیت دارد. (لامعی، ۱۳۹۳)

در عملیاتی کردن سیاست‌های کلان، مانند سیاست پولی، باید ترکیب متوازن و با ثبات نرخ‌های بهره، ارز و تورم به صورت هماهنگ و در آرایشی ماندگار و با دوام تامین شود. بی‌توجهی به توازن و ترکیب متناسب این نرخ‌ها، اقتصاد ملی را در فرآیند عدم تعادل قرار می‌دهد که تثبیت بخش مالی را به زیان بخش واقعی و به سود واسطه‌گری‌های دلال منشانه زودنگر برهم می‌زند. در آرایش متوازن نرخ‌های ذکر شده، بالاتر بودن نرخ بهره نسبت به تورم، یکی از شروط لازم برای مولد بودن اقتصاد ملی تلقی می‌شود. از طرف دیگر چنانچه سطوح پایه متغیرهای مورد اشاره درست انتخاب شده باشد، آنگاه برابری تغییرات نرخ ارز حداقل در سطح نرخ تورم، متضمن ثبات بخش خارجی اقتصاد نیز خواهد بود.

لذا به این جهت تورم به معنای کلیدی‌ترین شاخص تعیین‌کننده سطوح حداقل نرخ بهره و تغییر نرخ ارز نقش اساسی در توسعه و رشد اقتصادی بعهد خواهد داشت و برای تامین تعادل و توازن ذکر شده می‌باید سطح آن در حداقل ممکن حفظ گردد.

۱- تأثیر نرخ بهره بانکی بر عرضه پول در بازار پول

سود (بهره) یکی از متغیرهای مهم در بازار پول است که در عرضه پول نیز تأثیرگذار می‌باشد. در این باره مطالعاتی صورت گرفته، از جمله مطالعات کوپر، راشه، مودیگیلیانی، هندرشات، دیولیو که حاکی از افزایش در نرخ‌های سود از طریق کاهش ذخایر آزاد و افزایش تفاضل ذخایر غیراستقراضی از ذخایر آزاد باعث افزایش عرضه پول می‌گردد. لذا افزایش نرخ‌های سود می‌تواند از طریق ذخایر آزاد، باعث افزایش عرضه پول گردد. (برانسون، ۲۰۱۴، ص ۴۴۹)

۲- تأثیر نرخ بهره بانکی بر اقتصاد ایران

بر اساس قانون عملیات بانکی بدون ربا، نحوه تعیین نرخ‌های بهره در نظام بانکداری ایران، با نحوه و فرآیند تعیین نرخ در بانکداری متعارف متفاوت بوده است. در تعیین نرخ‌های سود سپرده‌ها این الزام وجود دارد که نرخ‌ها به‌گونه‌ای تنظیم شوند که حداقل جبران کاهش ارزش پول را بنمایند و در عین

حال در یک جایگاه منطقی نسبت به سایر شاخص‌ها بازدهی اقتصاد کشور قرار داشته باشند. اما اگر سود علی الحساب سپرده‌ها پایین تر از شاخص‌هایی همچون نرخ تورم، نرخ سود سهام، حداقل نرخ سود در بازار غیر متشکل پولی، نرخ سود پرداختی به اوراق مشارکت قرار گیرند، سیستم بانکی کشور در جذب سپرده‌ها و تجهیز منابع بانکی با محدودیت‌های متعددی روبرو شده و تبعات منفی آن در بعد اعطای تسهیلات به بخش‌های مختلف اقتصادی و اثرات بر ساختار مالی بانک‌ها، بسیار شدید خواهد بود؛ چون منابع سپرده‌گذاران اصلی ترین منبع در اعطای تسهیلات بانک‌ها به شمار می‌رود. برآورد سود حاصل از تسهیلات بانک‌ها و تبدیل و تخصیص آن به سود سپرده‌ها، ملاحظات بسیار اساسی در تعیین حاشیه نرخ سود بانک‌ها می باشد. این حاشیه در سطحی تعیین می شود که نه تنها هزینه‌های عملیاتی و ریسک بانک‌ها را پوشش دهد، بلکه ملاحظات سیاستی قوی در زمینه بهبود ساختار مالی بانک‌ها نیز در تعیین آن مراعات شود. به عبارت دیگر در این خصوص از یک طرف ملاحظات قانونی و حقوقی ناشی از الزامات قانونی عملیات بانکی بدون ربا به همراه عملکرد بخش‌های اقتصادی در نظر گرفته می شود و از طرف دیگر، کار آیی عملیاتی بانک‌ها و برنامه‌های تنظیمی -مقرراتی در جهت حفظ نسبت‌ها و استانداردهای معمول در جهت تقویت بنیه مالی بانک‌ها اعمال می‌شود. (اکرمی و مهدی زاده، ۱۳۸۳، ص ۲۹-۳۰)

۳- جایگاه نرخ بهره بانکی در تحقق اقتصاد مقاومتی

بهره بانکی در تحقق اقتصاد مقاومتی و کارآمد در سطح بانک، بازار پول و اقتصاد حقیقی، چگونه می‌تواند باشد؟!

نرخ مناسب سود سپرده‌ها عبارتند از: نرخ سودی که در عین ایجاد تعادل‌های باثبات در بازارهای مالی و حقیقی، زمینه تحقق اقتصاد مقاومتی در سطح کلان اقتصادی، مقاوم‌سازی همزمان در سطح بازارهای مالی و سطح بنگاه‌های مالی و غیرمالی را فراهم آورده و بتواند موجب رشد و توسعه همزمان بخش‌های مالی و حقیقی اقتصاد کشور شود. لذا یکی از جنبه‌های توجه به شکل‌گیری نرخ سود مناسب سپرده و بالتبع نرخ سود در بخش اعطای تسهیلات، ثبات بازارهای مالی و کلان اقتصاد، تقویت و پاسخ‌گویی به نیازهای بخش واقعی اقتصاد کشور است که در بند ۹ سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری پیرامون اقتصاد مقاومتی به آن اشاره شده است. برای آنکه شبکه بانکی، رسالت محوری خود را در واسطه‌گری و جوه به خوبی ایفا کند و بتواند سود تولید شده در اقتصاد حقیقی را به سپرده‌گذاران و سرمایه‌گذاران اختصاص دهد، می‌بایست چالش‌های شکل‌گیری نرخ سود مناسب در زمینه‌های مختلف هم‌چون سیاست‌گذاری، نظارت، قوانین و مقررات، ساختار بازار، نهادها و ذینفعان

بازار پول رفع شود تا با مناسب‌سازی نرخ سود دریافتی از گیرنده تسهیلات و تخصیصی به سپرده‌گذاران، در عین انتفاع سپرده‌گذاران و صیانت از اصل وجوه تجهیز شده، نیاز بنگاه‌های اقتصادی به نقدینگی پاسخ یابد.

در همین راستا می‌توان بیان نمود که نرخ مناسب سود سپرده می‌تواند بانک را در مدیریت ریسک‌های خود یاری دهد و میان درآمد و هزینه بانک یک توازن واقعی و بلندمدت ایجاد کند. این در حالی است که نرخ نامناسب سود سپرده منجر به مشکلات عدیده‌ای در بانک شده و از کانال‌های مختلفی بر فعالیت بانک تأثیر می‌گذارد؛ اما عمدتاً در کوتاه‌مدت به صورت افزایش ریسک نقدینگی و در بلندمدت با ناترازی‌های ترازنامه خود را نشان می‌دهد. سطح بالای ریسک نقدینگی در همه بنگاه‌های اقتصادی موجب کاهش مقاومت و افزایش آسیب‌پذیری نسبت به شوک‌های درونی و بیرونی بنگاه می‌گردد. در یک نهاد مالی به شدت اهرمی هم‌چون بانک که از یک‌سو سپرده‌گذاران می‌توانند سپرده‌های خود را از بانک خارج کنند و از سوی دیگر بقا و اعتبار بانک به تسویه آنی این بدهی‌ها گره خورده است، افزایش ریسک نقدینگی اثر بسیار قابل‌توجهی بر آسیب‌پذیری این نهاد دارد.

به طور خلاصه از مطالب بالا می‌توان چنین برداشت کرد، که نرخ‌های سود در اقتصاد به صورت دو جانبه عمل می‌کند. از یک جهت افزایش زیاد این نرخ‌ها بدون توجه به وضعیت نرخ‌های بازدهی در سایر حوزه‌ها، می‌تواند به بروز ضعف و رکود در سایر بازارها و افزایش بی دلیل هزینه منابع مالی بانک‌ها منجر گردد. از سوی دیگر تعیین نرخ‌های سود در سطوح پایین می‌تواند به تضعیف منابع مالی بانک‌ها و هجوم سرمایه از حوزه‌های بانکی و مولد به سمت حوزه‌های سفته بازی منجر شود. دو نکته اساسی و مهم باید همیشه باید مدنظر قرار داشته باشد. یک اینکه در هر صورت نرخ‌های سود واقعی در اقتصاد باید مثبت باشد. چون در غیر این صورت اقتصاد با وضعیت سرکوب مالی مواجه خواهد شد. مسئولین کشور اگر دست از سرکوب مالی بردارند، سرمایه‌گذاری و پس‌انداز واقعی رشد می‌کند و اقتصاد جامعه رونق پیدا می‌کند. (صمدی، ۱۳۷۸، ص ۱۹۰) در غیر این صورت ضررهای متعددی را برای بخش‌های مختلف اقتصاد بالاخص بخش‌های واقعی در برخواهد داشت. دوم اینکه نرخ سود باید متناسب با تغییر شرایط اقتصادی، تغییر یابد، زیرا تثبیت نرخ‌های سود بدون توجه به شرایط اقتصادی می‌تواند نتایج معکوسی را در برداشته باشد. (صمدی، ۱۳۷۸، ص ۲۶)

مقایسه تطبیقی تأثیر نرخ بهره بین بانکداری اسلامی و متعارف

۱- نرخ بهره در بانکداری متعارف

نرخ بهره در بانکداری متعارف یکی از متغیرهای مهم اقتصادی که در رشد اقتصادی دخالت

دارد، متغیر نرخ بهره است. اگرچه متغیرهای دیگری نظیر سطح عمومی قیمت‌ها، نرخ تورم نیز در این امر دخیل‌اند، واکنش رشد اقتصادی در برابر تغییرات نرخ بهره اهمیت خاصی دارد و سبب شده که امروز سیاست‌گذاران اقتصادی نرخ بهره را هم‌چون ابزار مهم سیاست‌های پولی در جهت ایجاد ثبات و رشد اقتصادی کشورها به کار گیرند.

در اقتصادهای پیشرفته امروز، نرخ بهره نقش مهمی را در هدایت، اجرا و تأمین اهداف سیاست‌های پولی ایفا می‌کند. در اکثر کشورهای صنعتی و کشورهای با نرخ تورم پایین، بانک‌های مرکزی از طریق تعیین نرخ بهره کوتاه‌مدت بازار، به‌عنوان هدف عملیاتی و سپس، با استفاده از عملیات بازار باز و سایر ابزار سیاست پولی، به منظور نگهداری نرخ‌ها در محدوده هدف عملیاتی، سیاست‌های پولی را تنظیم می‌کنند. در این کشورها، علاوه بر هدف عملیاتی، به منظور دستیابی به رشد و ثبات قیمت‌ها اهدافی از قبیل نرخ رشد نقدینگی نیز تعیین می‌شود. یکی از تأثیرات مهم تغییر نرخ‌های سود بانکی تغییر در پرتفوی افراد جامعه است. به طور طبیعی هر فرد دارایی‌های خود را در قالب مجموع‌های از شقوق دارایی نگهداری می‌کند. به طور مثال، در سبد دارایی هر فرد می‌توان به مجموعه‌ای از دارایی‌ها شامل پول نقد، سپرده بانکی، کالاهای بادوام، زمین و ملک، طلا و ارز، سهام اشاره کرد. فرد در تصمیم‌گیری خود در نحوه تخصیص دارایی خویش به‌هریک از شقوق یادشده به دو عامل مخاطره و بازده توجه دارد. با فرض ثبات شرایط مخاطره هر یک از این دارایی‌ها، طبیعتاً عامل نرخ بازدهی نقش اصلی را در نحوه تخصیص دارایی‌های فرد ایفا می‌کند. براین اساس، تعیین نرخ سود بانکی در سطح بالاتر از بازدهی سایر شقوق ممکن است باعث جذب بخش عمده‌ای از دارایی فرد به بانک‌ها شود. از طرف دیگر، تعیین نرخ‌های بهره بانکی به نحو غیرمنطقی و در سطح پایین، به‌طوری که جذابیت سپرده‌گذاری در بانک‌ها را از بین ببرد، ممکن است به تضعیف منابع مالی بانک‌ها و هجوم منابع به سمت سایر بازارها منجر شود. در بانکداری متعارف، نرخ‌های بهره به صورت ۴۲ ثابت و متغیر ۴۳ در سطح وسیع کاربرد دارد. در چنین نظام‌هایی امکان عقد قرارداد با نرخ ثابت یا متغیر برای مشتریان به صورت داوطلبانه میسر است. در قراردادهایی با نرخ بهره ثابت، تحولات آتی اقتصاد بی‌تأثیر است و مشتریان خطرگریز از آن استفاده می‌کنند؛ لیکن در قراردادهای با نرخ سود متغیر، نرخ‌ها برحسب شرایط اقتصادی و مطابق با تحولات بازار تغییر می‌کند. تجهیز منابع نیز به علت نبودن محدودیت در نرخ‌های سپرده‌ها در شرایطی کاملاً رقابتی صورت می‌پذیرد. وجود نرخ‌های متعدد یا به عبارتی چندنرخ در این نظام معطوف به ارزیابی مخاطره متقاضیان است، نه بر مبنای حمایت و اعطای رانت، بنابراین، مطلوب و منطقی است. (اتابکی ۱۳۸۶، ص ۱۲۴-۱۲۶)

۲- مکانیسم تعیین نرخ سود در نظام بانکداری اسلامی

تعیین نرخ‌های بهره در نظام بانکداری ایران که در قالب قانون عملیات بانکداری بدو ربا است، با توجه به نوع عقد انجام می‌شود. اکنون بانک‌ها در قالب عقود مشارکتی و غیرمشارکتی در چارچوب قانون عملیات بانکداری بدون ربا به اعطای تسهیلات مبادرت می‌ورزند. در عقود غیرمشارکتی یا عقود با بازدهی ثابت، بانک می‌تواند حداقل یا حداکثر نرخ سود را تعیین کند. در اینگونه عقود، به سبب انتقال مالکیت، رابطه وام‌دهنده با سرمایه قطع می‌شود. بنابراین، تحولات آتی و تغییرات احتمالی وضعیت مالی فعالیت مذکور از جهت سود و زیان ارتباطی به سود و مطالبات بانک ندارد. در عین حال، ماهیت مشارکت برعدم تملیک به ضمان بنا شده است. بدین معناکه عاملان و مشترکان از سرمایه خود خلع ید نمی‌کنند، بلکه مالکیت آن‌ها استمرار می‌یابد. بنابراین، در شرایط متعارف، هیچیک از طرفین در مقام بستانکار یا بدهکار نیست. به عبارت دیگر، بانک که تأمین‌کننده کل یا بخشی از سرمایه است، نمی‌تواند خود را از نتیجه فعالیت موضوع مشارکت کنار بکشد. بررسی عملکرد بانک‌ها در زمینه اعطای تسهیلات در قالب عقود اسلامی نشان می‌دهد که حدود ۷۰ درصد از تسهیلات به صورت غیرمشارکتی اعطا می‌شود. در ۳۰ درصد باقی‌مانده نیز گرچه نمی‌توان نرخ از قبل تعیین‌شده‌ای را تثبیت کرد، باید نرخ یا دامنه‌ای از نرخ‌ها لحاظ گردد تا، از منظر بانک، مبنایی برای قبول یا رد پروژه‌ها در اختیار باشد و از دید متقاضی تسهیلات علامتی برای تصمیم‌گیری وجود داشته باشد. لیکن در هر دو مورد نرخ‌ها باید طوری تنظیم شود که کاهش ارزش پول را جبران کند. در تعیین حداقل نرخ بهره مورد انتظار بانک از تسهیلات اعطایی نیز توجه و تأکید بر متوسط بازدهی و عملکرد بخش واقعی است و معمولاً بر شاخص تورم و تحولات شاخص‌های اقتصاد کلان و همچنین ملاحظات سیاستی در حمایت از برخی از بخش‌های اقتصادی تأکید ویژه می‌شود. نرخ بهره علی الحساب سپرده‌های بانکی و حداقل نرخ سود مورد انتظار تسهیلات بانکی، بنا بر مفاد قانون عملیات بانکی بدون ربا را شورای پول و اعتبار، با توجه به عوامل مختلفی تعیین کرده و معطوف به سازوکار بازار و مبتنی بر عرضه و تقاضا نیست. بنابراین، نرخ‌های سود ممکن است همواره بالاتر یا پایینتر از نقطه تعادل باشد. برای مدل‌سازی تفاوت نرخ سود، از دو مدل استفاده می‌شود: ارزش حسابداری حاشیه سود خالص از وضعیت درآمدی بانک‌های تجاری استفاده می‌شود، به این صورت حاشیه نرخ سود به مثابه تفاوت بین درآمد بهره و هزینه بهره است و به صورت درصدی از دارایی‌های به دست آمده محاسبه می‌شود. رفتار حداکثرسازی بنگاه اجازه می‌دهد که بر ویژگی‌های ساختار بازار و نرخ بهره با استفاده از قانون حداکثرسازی سود نظارت کنیم. فرض بر این

است که بانک بنگاهی اقتصادی است که هدف آن حداکثر کردن بهره یا حداکثر کردن ثروت است. در این زمینه نظریه پرتفوی نقش مهمی دارد. در نظریه‌های پرتفوی بانک بنگاهی اقتصادی است به دنبال حداکثر سود. این سود با توجه به مجموعه دارایی‌ها و بدهی‌های قابل حصول و مجموعه نرخ‌های بهره‌ای که بانک برای به دست آوردن هر جزء از دارایی‌ها و بدهی‌ها هزینه می‌کند تعریف می‌شود (اتابکی ۱۳۸۶، ص ۱۲۴-۱۲۶)

نتیجه‌گیری نهایی

عوامل زیادی بر نرخ بهره اثر گذار است. در یک تقسیم بندی انواع نرخ بهره عبارتند از: نرخ بهره طبیعی، نرخ بهره بازار، نرخ بهره تعادل، نرخ بهره واقعی و اسمی، نرخ بهره وام ساده، نرخ بهره اوراق قرضه با عایدی ثابت، نرخ بهره وام با بازپرداخت ثابت.

با توجه به اهمیت و جایگاه نرخ بهره در اقتصاد، نظرات زیادی پیرامون نرخ بهره وجود دارد که برخی از مهم‌ترین آنها عبارتند از: نظریه نرخ بهره کلاسیک، نرخ بهره طبیعی و بازاری، نظریه نرخ بهره پولی، نظریه دام نقدینگی، نظریه عدم امکان بررسی مستقل نرخ بهره، نظریه نرخ بهره صوری در اثر افزایش نرخ سود تسهیلات بانکی، حجم سپرده‌های بانکی افزایش می‌یابد اما سرمایه‌گذاری، تسهیلات بانکی و تولید ناخالص داخلی بدون نفت کاهش یافته و به زیرمقدار بلندمدت خود کشیده می‌شوند. از این رو افزایش نرخ سود تسهیلات بانکی نه تنها رشد اقتصادی را افزایش نمی‌دهد بلکه باعث کاهش رشد اقتصادی می‌گردد.

نرخ بهره باید به گونه‌ای انتخاب شود که بین این نرخ و رشد اقتصادی تعادل به وجود آید. افزایش بیش از حد آن باعث کاهش رشد اقتصادی، و کاهش بی‌رویه به مشکلات دیگری همچون افزایش تورم منجر می‌شود. به بیان ساده‌تر، افزایش این نرخ باعث کاهش تسهیلات بانکی، تولید ناخالص داخلی و در نتیجه کاهش رشد اقتصادی می‌شود. لذا نرخ بهره باید به گونه‌ای انتخاب شود که بین این نرخ و رشد اقتصادی تعادل به وجود آید. افزایش بیش از حد آن باعث کاهش رشد اقتصادی، و کاهش بی‌رویه به مشکلات دیگری همچون افزایش تورم منجر می‌شود.

نرخ سود بانکی به عنوان یکی از هزینه‌های تولید، در تصمیم‌گیری برای تولید اهمیت دارد. سود (بهره) یکی از متغیرهای مهم در بازار پول است که در عرضه پول نیز تأثیرگذار می‌باشد.

بر اساس قانون عملیات بانکی بدون ربا، نحوه تعیین نرخ‌های سود در نظام بانکداری ایران، با نحوه و فرآیند تعیین نرخ در بانکداری متعارف متفاوت بوده است. نرخ بهره اثرات معنادار بر سودآوری بانکی در بخش اسلامی و بخش متعارف داشته است با این تفاوت که این اثرگذاری در بخش اسلامی مثبت و

در بخش متعارف منفی بوده است. دلیل اثرگذاری متفاوت می‌تواند برای سودآوری بخش بانکی مضر باشد، ولی در بخش اسلامی، نرخ بهره مبتنی بر به اشتراک‌گذاری ریسک بوده تفاوت در ماهیت نرخ بهره در بخش اسلامی و متعارف باشد، زیرا در بانکداری متداول؛ نرخ بهره مبتنی بر ربا بوده است که به دلیل انفکاک بخش بانکی از بخش واقعی اقتصاد، می‌تواند در بلندمدت و عملکرد بخش بانکی به بخش واقعی اقتصاد وابسته است؛ بنابراین توصیه می‌شود کشورهایی که دارای سیستم بانکداری مبتنی بر ربا هستند، اصلاحات مورد نیاز جهت اسلامی‌سازی سیستم بانکداری را در دستور کار قرار دهند.

به طور خلاصه نرخ‌های سود در اقتصاد به صورت دو جانبه عمل می‌کند. از یک جهت افزایش زیاد این نرخ‌ها بدون توجه به وضعیت نرخ‌های بازدهی در سایر حوزه‌ها، می‌تواند به بروز ضعف و رکود در سایر بازارها و افزایش بی‌دلیل هزینه منابع مالی بانک‌ها منجر گردد. از سوی دیگر تعیین نرخ‌های سود در سطوح پایین می‌تواند به تضعیف منابع مالی بانک‌ها و هجوم سرمایه از حوزه‌های بانکی و مولد به سمت حوزه‌های سفته‌بازی منجر شود. دو نکته اساسی و مهم باید همیشه باید مدنظر قرار داشته باشد. یک اینکه در هر صورت نرخ‌های سود واقعی در اقتصاد باید مثبت باشد. چون در غیر این صورت اقتصاد با وضعیت سرکوب مالی مواجه خواهد شد. دوم اینکه نرخ سود باید متناسب با تغییر شرایط اقتصادی، تغییر یابد، زیرا تثبیت نرخ‌های سود بدون توجه به شرایط اقتصادی می‌تواند نتایج معکوسی را در برداشته باشد.

فهرست منابع

۱. اتابکی؛ مرتضی (۱۳۸۶)، بررسی عوامل مؤثر در تفاوت در نرخ بهره دریافتی و پرداختی بانکی در اقتصاد ایران، پیک نور، سال پنجم، شماره چهارم.
۲. اکرمی، ابوالفضل؛ مهدی‌زاده، سجاد (۱۳۸۳) «ملاحظات پیرامون نرخ‌های سود بانکی در ایران»، پرتال جامع علوم انسانی، <http://ensani.ir> ش ۴۲ و ۴۳.
۳. برانسون، ویلیام اچ (۱۳۹۳)، تئوری و سیاست‌های اقتصاد کلان، ترجمه عباس شاکری، تهران، نشر نی.
۴. بهزاد لامعی (۱۳۹۳)، «تأثیر کاهش نرخ سود بانکی بر برخی متغیرهای کلان اقتصادی» اداره حساب‌های اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه شماره ۳۳، بانک صادرات ایران.
۵. تقضلی، فریدون (۱۳۶۶)؛ اقتصاد کلان نظریه و سیاست‌های اقتصادی، تهران، نی.
۶. تقوی، مهدی (۱۳۷۷)، مبانی علم اقتصاد، تهران، انتشارات صنایع ایران.
۷. داودی، پرویز و حسین صمصامی (۱۳۸۸)، اقتصاد پول و بانکداری، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۸. دورنبوش، رودریگر و استانیلی فیشر (۱۳۷۱)، اقتصاد کلان، ترجمه محمد حسین تیزهوش تابان، تهران، سروش.
۹. صمدی، علی حسین (۱۳۷۸)، «سرکوب مالی و رشد اقتصادی در ایران: ارزیابی الگوی مک کنیون-شاو» مجله برنامه و بودجه، ۴۴-۴۳.
۱۰. قره‌باغیان، مرتضی (۱۳۷۲)، فرهنگ اقتصاد و بازرگانی، تهران، رسا.
۱۱. قنادان، محمود (۱۳۸۴)؛ اقتصاددانان بزرگ، تهران، رسانه الکترونیک.
۱۲. کریمی، سعید (۱۳۹۶)، نظریات بهره، پژوهشکده باقرالعلوم، ۱۹ بهمن، <http://pajoohe.ir>
۱۳. منتظر ظهور، محمود (۱۳۸۱)؛ اقتصاد (اقتصاد خرد، اقتصاد کلان)، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۱۴. میشکین، فریدریک (۱۳۸۱)، پول، ارز و بانکداری، ترجمه علی جهانخانی و علی پارسایان، تهران، سمت.
۱۵. Bawerk, Bohm, Geschichte and Kritik der kapitalzinstheorien, zweite Auf. Innsburk, 1900